

Investigating the Factors Affecting the Changing of Jobs During the Caliphate of Harun Rashid Abbasi

Mohaddethe Khosravi¹ | Ardeshir Asadbeigi²

Received: 2021/02/08 | Accepted: 2021/04/09

(DOI): 10.22034/MTE.2021.6276.1111

Abstract

Original Article

P 37 - 61

Studying the factors affecting the development of jobs during the caliphate of Harun Rashid Abbasi has a great importance. Harun, the most powerful Abbasid king, in addition to foreign conquests and the development of Islamic lands, paid serious attention to the Islamic State, especially Baghdad as its capital. The political -economic security of Baghdad made the Abbasid caliph to continue his conquests seriously. One of the important issues in social history today is the change of jobs and the factors affecting it in this period.

This study tries to answer the question using descriptive and analytical methods that what are the factors affecting the development of jobs during the caliphate of Harun Abbasi?

The results show that several factors have played the role including: economic and regulatory policies of the Abbasid government, the formation of trade movement, agricultural factors, new conquests, urbanization, elite attraction and influence of other civilizations, and political and military factors.

Keywords: Baghdad, Harun Al-Rasheed Abbasi, changing, Job

1 - PhD Student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
mohadese_khosravi@yahoo.com

2 - Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
jafar.asadbeigi@gmail.com



بررسی عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت هارون

رشید عباسی

محدثة خسروی^۱ اردشیر اسدبیگی (نویسنده مسئول)^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.6276.1111

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۱/۲۰

علمی پژوهشی

ص: ۳۷/۶۱

چکیده

بررسی عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت هارون رشید عباسی، از اهمیت فراوان برخوردار است. هارون، قدرتمندترین پادشاه عباسی، علاوه بر فتوحات خارجی و توسعه سرزمین‌های اسلامی، به داخل دولت اسلامی، به خصوص بغداد به عنوان پایتخت، توجه جدی داشت. امنیت سیاسی — اقتصادی بغداد موجب شد که خلیفه عباسی با اهتمام جدی‌تر به فتوحات خود ادامه دهد. یکی از موضوعات مهمی که در تاریخ اجتماعی امروزه مورد توجه و تأکید است، تحول مشاغل و عوامل اثرگذار بر آن در این دوران است. این پژوهش، سعی دارد با استفاده روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت هارون عباسی چیست؟ نتایج تحقیق نشان

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

mohadese_khosravi@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

jafar.asadbeigi@gmail.com



داده است که در تحول مشاغل، عوامل متعددی نقش داشته‌اند و شامل: سیاست‌های اقتصادی و تنظیمی دولت عباسی، شکل‌گیری نهضت بازرگانی، عوامل کشاورزی، فتوحات جدید، گسترش شهرنشینی، جذب نخبگان و تأثیرپذیری از سایر تمدن‌ها، و عوامل سیاسی و نظامی بوده است.

کلیدواژگان: بغداد، هارون الرشید عباسی، تحول، شغل.

مقدمه

پرداختن به مسائلی همانند بررسی تحول مشاغل مسلمانان در بغداد در دوران هارون الرشید عباسی، حلقه گمشده مباحث تاریخ‌نگاری در دوران معاصر است. امروزه، تاریخ‌نگاری برخلاف روش سنتی — که بیشتر توجه خود را به زندگی حاکمان و وقایع سیاسی و نظامی معطوف می‌کرد — به بررسی اجزای تشکیل‌دهنده زندگی مردم مانند نظام اجتماعی آن‌ها توجه می‌نماید (موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۷؛ جهانگرد، ۱۳۷۸: ۹۴). بررسی نظام اجتماعی و اقتصادی گذشته، سهم عمده‌ای در شناخت زوایای پنهان گذشته و پیوند تاریخ و متن زندگی امروزی مردم دارد. زندگی امروزه مسلمان، برآمده از تاریخ و فرهنگ پیشین است. هیچ تمدنی همانند اسلام، در حل مسائل امروزمین خود به گذشته رجوع نمی‌کند (مظفر، ۱۳۸۷: ۴۴).

بغداد در طول خلافت هارون الرشید عباسی، مرکز تحولات و تغییرات جهان اسلام به شمار می‌رفت؛ به طوری که هرگونه تغییر و تحول در جهان اسلام، از این شهر شروع می‌شده است؛ از این رو، شکل‌گیری مشاغل گوناگون در این شهر، توانسته که الگویی برای سبک زندگی و مشاغل دیگر شهرهای اسلامی باشد. بغداد در دوران خلافت هارون عباسی، دچار تحول اساسی شد. تحول به معنای تغییر عظیم، اساسی، بنیادی، ریشه‌ای (حق شناس، ۱۳۸۲: ۱۴۲۴) و بازسازی نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و نامطلوب و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی مترقی و مطلوب است (مهجری، ۱۳۸۲: ۲۷۶).

تحول، موجب تغییر در سیاست، اقتصاد، اصول جامعه، نهادها و دولت می‌شود و ارزش‌های جدید به وجود می‌آید (پلانو (Plano)، ۱۹۸۲: ۲۱۱). تحول در نظام اجتماعی ابعاد خاصی دارد؛ اما یکی از تأثیرپذیرترین ابعاد، بُعد شغل و حرفه است. منظور از شغل، به

فعالیتی اطلاق می‌گردد که درآمد بالفعل داشته (دیانی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰) و به‌عنوان سرمایه و ذخیره، توسعه‌دهنده تمدن باشد (بلوردی، ۱۳۸۹: ۵۱). شایان ذکر است که شغل، منعکس‌کننده شخصیت، انگیزش، توانایی‌ها و خصوصیات افراد بوده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹). این پژوهش، سعی دارد به‌وسیله روش توصیفی — تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که «عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در بغداد در دوران هارون عباسی کدام‌اند؟»

فرضیه: عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در بغداد در دوران خلافت عباسی، شامل: سیاست‌های اقتصادی و تنظیمی دولت عباسی، شکل‌گیری نهضت بازرگانی، عوامل کشاورزی، فتوحات جدید، گسترش شهرنشینی، جذب نخبگان و تأثیرپذیری از سایر تمدن‌ها و عوامل سیاسی و نظامی بوده است.

پیشینه پژوهش

— تاریخ بغداد یا تاریخ مدینه الإسلام تألیف خطیب بغدادی عالم قرن پنجم، اثری بسیار مهم به عربی است که نویسنده در آن، به شرح حال عالمان و محدثان و بزرگان بغداد پرداخته است. وی سعی کرده که به معرفی مشاهیر و مشاغل بغداد بپردازد؛ اما سعی او ناکام مانده و بیشتر به معرفی عالمان دینی پرداخته است. اگرچه مختصری از احوال برخی مشاغل را بیان کرده، اما ضعیف است. شباهت این اثر با این پژوهش، توجه به مشاغل و معرفی و تقسیم‌بندی آن است.

— معالم القرية فی احکام الحسبة، تألیف ضیاءالدین محمدبن محمدبن أحمدبن ابی‌زید القرشی، معروف به ابن الإخوة (۶۴۸—۷۲۹ق). این اثر، مشتمل بر بیان شرایط، وظایف و امور مختلف پیرامون محتسب است. ابن‌اخوه، به تقسیم‌بندی مشاغل در دوران اولیه اسلام در مصر پرداخته است و احکام فقهی آن را بیان می‌کند؛ اما پژوهش حاضر، بر آن است که به بررسی تحولات و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مشاغل در بغداد در طول قرن دوم تا هفتم بپردازد.

— تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، تألیف عبدالرحیم غنیمه است. این کتاب، به معرفی دانشگاه‌های بزرگ اسلامی پرداخته است؛ اما پژوهش حاضر، علاوه بر بیان کارهای خدماتی نظیر مراکز آموزشی و تربیتی در بغداد، همه مشاغل موجود دیگر در بغداد را معرفی

می‌نماید و در مورد تحولات آن به کنکاش می‌پردازد.

— مرضیه پروندی و حدیث جهانگیریان در سال ۱۳۹۴ پژوهشی را با عنوان «مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری» به انجام رسانیده‌اند. در این اثر، نویسندگان به بررسی جایگاه اجتماعی و سیاسی شیعیان در طول قرون اولیه اسلام پرداخته و برخی از مشاغل مختص شیعیان را بیان می‌کنند؛ اما پژوهش حاضر، به بررسی مشاغل به صورت عام در نظام اجتماعی بغداد می‌پردازد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی بغداد در دوران خلافت هارون الرشید عباسی

بغداد، بزرگ‌ترین شهر عراق و دومین شهر بزرگ جنوب غربی آسیا، مرکز استان بغداد و پایتخت این کشور است و در نزدیکی دجله قرار دارد. منصور عباسی این شهر را در سال ۱۴۲ق بنا کرد و به مدت پنج قرن، پایتخت خلافت عباسی بود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲). هارون، قدرتمندترین خلیفه عباسی بود؛ به گونه‌ای که فتوحات مسلمانان تا حکومت شارلمانی رسید. هارون، از سیاست و توانایی خاصی برخوردار بود. خلافت عباسی در دوران هارون، از لحاظ اقتصادی، نظامی و یا صنعتی، از اهمیت خاصی برخوردار بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۱۳). یکی از عوامل توفیق حکومت هارون الرشید، اعتماد به خاندان برمکی بود. آنان به عنوان دبیران، میراث‌دار تمدن ساسانی بودند و توانستند میراث تمدن باستانی را به حکومت عباسی تزریق نمایند (حبیبی، ۱۳۸۰: ۵۷۷). بغداد در دوران خلافت هارون عباسی، به سرعت به قطب علمی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام تبدیل شد و بغداد را بیت‌الحمه می‌نامیدند (ترابی، ۱۳۹۰: ۴۱) و قرن‌ها مرکز فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفت (دوری و همکاران، ۱۳۷۵: ۱). در این دوران، این شهر مرکز مکتب‌های فقهی حنفی و حنبلی بود و شاعران، تاریخ‌نویسان و دانشمندان بسیاری در آن وجود داشتند (همان: ۲۵). موقعیت جغرافیایی بغداد، توفیق حکومت و علاقه مردم به کار و دادوستد، باعث شد که بغداد به مرکز دادوستد تبدیل شود و بازارها به صورت ضرورت لازم زندگی درآید. برای دادوستد هر کالایی، بیش از یک صد باب مغازه وجود داشت (موسوی، ۱۳۸۱: ۴۰). سیستم اداری در دوران خلافت هارون، ادامه‌دهنده شیوه امویان و حکومت ایران باستان بود. البته در آن دوران، بر تعداد دیوان‌ها افزوده شد و منصب «قضا» از اهمیت خاص

برخوردار گشت (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۷۹).

آنچه از شواهد تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی در دوران خلافت هارون عباسی در بغداد مشهود است، این است که تعدد و تنوع صنایع در جامعه اسلامی، نمودار شکوفایی آن می‌باشد و همچنین، تلاشی که متفکران برای طبقه‌بندی صنایع و بیان انواع آن بر طبق مبانی مختلف و متعدد کرده‌اند، گویاترین دلیل بر این تعدد و تنوع است. از مطالعه کتاب‌های معروف حسبه، می‌توان به پیشرفت در زمینه تخصص در حرفه‌ها و صناعت‌ها پی برد؛ در حالی که «شیزری» نزدیک به چهل حرفه و شغل را برای ما ذکر می‌کند (نهایة الرتبة، بی‌تا: ۵ — ۶). ابن اخوه، بیش از شصت حرفه و شغل را مورد بحث قرار می‌دهد (معالم القرية، ۱۳۸۱: ۴ — ۶) و در همین حال، ابن بسام، از حدود هشتاد حرفه و شغل سخن می‌گوید (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۶۳). اخوان الصفا، صنایع را بر حسب موضوع دو نوع دانسته: صنایع روحانی که شامل کارهای فکری می‌گردد و صنایع جسمانی که کارهای دستی را دربرمی‌گیرد. نوع اخیر را به نوبه خود، به صناعی که موضوع آن‌ها بسیط است، تقسیم کرده‌اند؛ مانند آب (حرفه سقاها، ملاح‌ها و شناگران)، خاک (حرفه حفاران چاه‌ها و نهرها)، آتش (مانند نفاط‌ها و کارگران گلخن)، هوا (مانند نوازندگان نی و بوق) و آب و خاک با هم (مانند آجرپزها و کوزه‌گران). اما صناعی که موضوع آن‌ها مرکب است، سه نوع‌اند: اجسام معدنی (حرفه سفیدگران، آهنگران و زرگران)، گیاهان (حرفه فروشندگان برگ خرما، بوریابافان، کسانی که کاغذ می‌سازند، عصاها و آودفروش‌ها)، جانوران (حرفه صیادان، دام‌پزشک‌ها، دباغ‌ها و طباخ‌ها) و بدن‌های انسان (آرایشگر، پزشک و معلم) (اخوان الصفا، ۱۹۵۷، ج ۱: ۲۸۰). این شواهد، نشان‌دهنده تزايد حرفه‌ها و مشاغل تخصصی در جامعه اسلامی است.

گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، در هر مکان و زمان، به علت روابط حرفه‌ای موجود میان آنان و اشتراک منافع ناشی از همکاری‌های گروهی و تنظیم و ترتیب امور شغلی، به اجتماع در یک محل با چشم رغبت می‌نگریستند؛ همچنان‌که نوعی گروه‌بندی و درک همکاری‌های اجتماعی، به پیدایش روابط میان آنان انجامید (طبری، بی‌تا، ج ۷: ۶۱۰). در بغداد به علت زیادی مشاغل، بازارهای تخصصی به وجود آمده بود. هر گروه از بازرگانان و هر نوعی از تجارت را در خیابان معین جای دادند و در آن خیابان‌ها، رسته‌ها، دکان‌ها و میدان‌ها بودند؛ به نحوی که گروهی با گروهی دیگر و تجارتي با تجارتي دیگر درنیامیزد و نوعی از کالا با

خسروی و اسدیگی: بررسی عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت... ۴۳

نوعی دیگر فروخته نشود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۴۶)؛ به طوری که بازرگانان در محلاتی خاص، مانند: کرخ، بازار یحیی، بازار عطش و خراسانی حضور داشتند (همان: ۲۴۵) و صرافان نیز در بازارهای مخصوص خود، درب عون در بغداد جمع شده بودند. ضرورت تفکیک مشاغل، علل مختلفی داشته است؛ مانند آنکه صنایع گران بها با صنایع کم ارزش درنیامیزد. این موضوع، در بازارهای «کرخ» و «باب الطاق» در بغداد، به طور آشکار مشاهده می شود؛ زیرا به صاحبان کالاهای بدبو و عفن، اجازه داده نمی شود تا با عطاران درآمیزند. همچنین، خرده ریز فروش ها نمی توانستند با فروشندگان جامه های رنگارنگ و باارزش در یک محل باشند. بازار قصابان نیز در آخر بازارهای «کرخ» قرار داده شده بود؛ زیرا آن ها مردمی سفیه اند و ابزارهای تیز و برنده در دست دارند (خطیب بغدادی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۰). نیز ترجیح می دادند که دکان هایی که کار آن ها مستلزم برافروختن آتش است، مانند: نانویان، طباخان و آهنگران، از دکان های عطاری و بزازان دور باشند؛ زیرا مجانستی با هم ندارند و خطر خسارت نیز در میان است. رقابت و «دشمنی میان پیشه وران همکار»، بر گرد آمدن آنان در یک بازار مؤثر بود؛ زیرا هریک از ایشان، بدین وسیله می توانست ناظر بر گروه همکاران خود باشد و از نرخ های خرید و فروش آگاه گردد (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۵۹). البته برخی نیز معتقدند که تجمع گروه های شغلی اسلامی در بازارهای تخصصی، مربوط به تأثیر میراث تمدن ساسانی و بیزانسی بوده است (یعقوبی، البلدان، ۱۳۵۶: ۳۱۱).

تحول مشاغل در بغداد در دوران خلافت هارون عباسی

در دوران هارون عباسی، جهان اسلام، به ویژه در وجوه مادی توسعه یافت. زندگی شهری که معلول فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این شرایط بود، در دل خود تحولات بی شماری، از جمله رونق زندگی مادی و سطوحی از اقتصاد پولی را تجربه کرد و آرامش و امنیت اقتصادی در این شهر را فراهم کرد. حفظ امنیت و آرامش دارالخلافت، به پایداری حکومت عباسیان کمک می کرد (دوری، ۱۳۷۵: ۴۲). در پی این تحولات، بازار، جهش عظیمی یافت و از جمله، مشاغل بسیاری با توجه به شرایط و نیازمندی های جدید شکل گرفت. میان مؤلفه های عمومی، فرهنگی و تمدنی این سده ها و رشد کمی و کیفی مشاغل و چگونگی عرضه مواد خام و پخته توسط آن ها، نسبتی منطقی و

مستقیم دیده می‌شود و از پیامدهای این جغرافیای گسترده اسلامی و امنیت حاکم بر آن، ارتقای تولیدهای اقتصادی، از جمله تولیدهای کشاورزی (به دلیل تمرکز نیروی انسانی روستاها بر کشاورزی به جای جنگ) و نیز بهبود ارتباطات و حمل‌ونقل و افزایش گستره آن بود و چون دشمن درخور توجهی باقی نمانده بود و نگاه به بیرون و مراقبت از مواضع خارجی از میان رفته بود، مسلمانان فرصت یافتند که توانشان را به‌گونه‌ای متمرکزتر صرف ابعاد دیگری، از جمله اقتصاد کنند.

کشاورزی و باغداری، از وجوه مهم تولید در دنیای کهن بود که در این دوره ارتقا یافت. تولیدات کشاورزی، فراتر از اقتصاد معیشتی بود و مازاد تولید صادر می‌شد. بخشی از صادرات آن، درون شهری و بخشی، برون شهری و از ایالتی به ایالت دیگر بود. میان شهرها و روستاهای آن، پیوستگی بالایی برقرار بود و اغلب محصولات کشاورزی برای رفع نیاز خود روستاییان و ساکنان شهرها تولید می‌شد؛ اما بخش قابل ملاحظه‌ای نیز به دیگر نقاط صادر می‌گردید. مازاد تولید برای عرضه در بازار، به میزان چشمگیری در دستور کار قرار داشت. این امر، سبب دگرگونی و تنوع مواد غذایی در بغداد شد. در تولید و صدور این محصولات، سرمایه شخصی بازرگانان، نقش اصلی را داشت و دولت‌ها در این مبادلات تأثیر چندانی نداشتند. این در حالی بود که دولت، بزرگ‌ترین مالک ارضی و عمده‌ترین صاحب صنایع تبدیلی بود و در نتیجه، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی قلمرو خود به شمار می‌رفت (رودنسون، بی تا: ۵۷-۵۸).

فتوحات دوران هارون عباسی، موجب باز شدن بازارهای جدید برای مسلمانان شد و مبادلات افزایش یافت. بغداد نیز به‌عنوان مرکز جهان مورد توجه قرار گرفت و مقام اول را در تجارت جهانی کسب کرد. گسترش قلمرو دولت و استقرار آن، توسعه راه‌های ارتباطی زمینی و دریایی، و نیز تراکم موجودی‌های نقدی در دولت اسلامی عباسی، تأثیری بسیار بر فعالیت نهضت تجاری داشت. انباشتن موجودی‌های نقدی به کمک عده‌ای از عوامل کامل‌گردید که در مقدمه آن‌ها این عوامل قرار داشت: تسلط مسلمانان بر سرزمین‌هایی که طلا در آن‌ها گرد می‌آمد و در زیر نفوذ دو دولت بیزانس و ساسانی قرار داشتند و نیز بسیاری درآمدهای سالانه که وارد قلمرو دولت می‌شد؛ تا آنجا که بنی‌عباس خزانه‌داران ثروت‌های کشورهای بسیاری گردیدند. جدول‌های مالیاتی دولت عباسی، نمودار آشکاری است از مقدار سرشار ثروت‌هایی که به دست عباسیان می‌رسید. فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی، بازرگانی و

صنعتی را نیز — که خود موجب جذب مقادیری هنگفت از طلا می شد — باید به این عوامل افزود (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۳). برای بررسی تحول مشاغل در دوران خلافت هارون عباسی در بغداد، متغیرهای سیاسی — نظامی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرد.

سیاست‌های اقتصادی و تنظیمی دولت عباسی

رابطه دولت با بازار، رابطه تنظیمی بود. حکومت از کسبه و مشاغل بغداد مالیات‌های معقولی می گرفت (دوری، ۱۳۷۵: ۴۲). نهاد دولتی که ارتباطات مستقیم با بازار داشت، نهاد حسبه بوده است؛ به گونه‌ای که حرفه‌ها در جامعه عربی — اسلامی قرون وسطی از آزادی مطلق برخوردار نبودند؛ بلکه دولت — که نظارت بر امور آن‌ها و ارشاد فعالیت‌هایشان را تصدی می کرد — آن‌ها را زیر نظر داشت. می توان حسبه را برجسته‌ترین دستگاه رسمی دانست که با تشکیلات اصناف رابطه مستقیم داشته است. عقاید در باره اصل حسبه، متفاوت است؛ برخی آن را منصب یا سازمانی می دانند که برای اجرای قاعده مشهور اسلامی، یعنی قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» در زمینه اخلاق و قانون پدید آمده است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، مقدمه، ج ۱: ۴۰۵ — ۴۰۶). محتسب چنان که پیداست، اختیارات وسیعی داشت. او کسی بود که امام یا نایب امام، او را برای رسیدگی به وضع مردم و شناخت مشکلات و مصالح آن‌ها منصوب می کرد (ابن اخوه، ۱۳۸۱: ۷).

در طول خلافت هارون عباسی، نظارت بر بازارها همواره وجود داشت. این مهم، بر عهده سازمان حسبه بود که اساسی‌ترین بخش وظایف آن، نظارت بر بازارها بود. این وظیفه در چند محور انعکاس می یافت که به ویژه در باره بازارهای مواد غذایی مصداق داشت. این سازمان، برای حضور مستمر و نظارت دقیق، مکانی با عنوان دکه حسبه در بازار داشت و از دستیارانی به نام عریف یا عریف السوق برای نظارت کامل و سریع تر بهره می برد؛ زیرا مشاغل و تخصص‌های غذایی فراوانی در بازارها، به ویژه شهرهای بزرگ وجود داشت و محتسب نمی توانست با آگاهی‌های محدود خود، غش و دیگر رفتارهای فریبکارانه را در تمام این مشاغل تشخیص دهد. این همکاران محتسب را نایب نیز می نامیدند. در بسیاری از مواقع، عریف و حتی محتسب، از میان اصناف

مختلف برگزیده می شدند تا اشراف آن‌ها به فنون مشاغل، به حذف ناراستی‌ها سرعت ببخشند (ابن اخوه، ۱۳۶۷: ۲۱۲، ۲۱۶ و ۲۱۸). به‌طور کلی، نظارت‌های سازمان حسبه بر مشاغل و دکان‌های غذایی، به چهار دسته تقسیم می‌شد: بهداشت، گران‌فروشی و احتکار، اوزان و غش (همان: ۲۱۲).

نرخ کالاها در دوران هارون عباسی، به‌طور کلی، تابع عرضه و تقاضا بود. غالباً دولت در هنگام اقدام به نرخ‌گذاری، با صاحب‌نظران و خبرگان در آن زمینه مشورت می‌کرد. پس، هرگاه خلیفه مثلاً می‌خواست نرخ چیزی را تعیین کند، اهل بازار را گرد می‌آورد و نرخ خرید و فروش آن کالا را از آن‌ها می‌پرسید. اگر میان بهای خرید و فروش اختلاف بسیاری مشاهده می‌کرد، بر سر نرخی که خیر و صلاح آنان و عموم مردم در آن بود، با ایشان به گفت‌وگو و چانه‌زنی می‌پرداخت تا با آن موافقت کنند و بر آن نرخ، از آن‌ها تعهد می‌گرفت. سپس، هرگاه یکی از ایشان به بهای می‌افزود، به او فرمان می‌داد که مانند همکارانش بفروشد؛ وگرنه او را از بازار اخراج می‌کرد و گوشمالی می‌داد. همچنین، حق داشت که صاحبان یک حرفه را از توافق و سازش بر یک نرخ باز دارد. این کار، به‌منظور جلوگیری از بهره‌کشی از مصرف‌کنندگان بود (ابن اخوه، ۱۳۸۱: ۱۰۰). امنای پیشه‌وران (شیوخ اصناف)، محتسب و گروهی از شهود، در تنظیم صورت نرخ کالاها شرکت می‌کردند (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۲۳).

متغیر نهضت بازرگانی و تحول مشاغل

یکی از مؤثرترین متغیرها در تحول مشاغل در دوران خلافت هارون عباسی، به وجود آمدن نهضت بازرگانی در این دوران بود. از آثار نهضت بازرگانی، پیدایش اسلوبی در معاملات مالی بود که به این نهضت بزرگ، امکان می‌داد تا ثروت‌ها را بین شرق و غرب به جریان اندازد و از وسایل مطمئنی برخوردار گردد (متز، ج ۲: ۳۸۳) و آن، ظهور نظام بانکی بود. بدین ترتیب که روی آوردن آشکار به گردآوری نقود و شیفتگی آزمندان به ثروت‌اندوزی، با بیم از دست دادن آن‌ها همراه بود. این بیم، ناشی از تسلط دولت و دخالت او در امور بود که با دست نهادن بر دارایی‌های خصوصی از راه مصادره، به آسانی صورت می‌گرفت. علاوه بر این عوامل، بیم از دزدان، مردم را بر آن می‌داشت که محل‌هایی امن

برای حفظ اموال خود ایجاد کنند و از این رو، دارایی‌های خود را نزد افراد سرشناس یا بازرگانانی که اغلب حرفه اصلی آنان صرافی بود، به امانت می‌سپردند. سپس، بنگاه‌هایی مالی یا شرکت‌هایی به یاری و شرکت گروهی از صرافان پدید آمد که قادر بودند عملیات صرافانی را تا اندازه پذیرش امانت‌ها توسعه دهند. آنگاه بازرگانان و گروهی از صاحب‌منصبان، وزرا و خلفا نیز با آن‌ها به معامله پرداختند. کار این صرافان، منحصر به قبول امانت‌ها نبود؛ بلکه به پرداخت پول توسط سفته، نه به صورت نقد نیز مبادرت می‌کردند. هدف از این عمل، آن بود که حمل اموال از جایی به جایی دیگر، بدون برخورد با خطرهای موجود در راه‌ها - که موجب خودداری از پرداخت پول در اماکن دور می‌گردید - انجام پذیرد. این روش، برای تسهیل و تسریع امور بازرگانی در دولت عباسی بسیار مفید بود (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۳۱).

نهیضت بازرگانی و نظام بانکی، اثری بزرگ بر سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش صنعت، جهت تولید داشت. علاوه بر این، طبقه‌ای ثروتمند ایجاد گردید که این خود به گسترش طبقه کارگر و نهیضت صنعتی کمک داد؛ به عنوان مثال، صنعت جواهرسازی هنگامی رونق می‌یابد که گروهی اجتماعی با امکانات مالی برای خرید این نوع مصنوعات وجود داشته باشند. این گروه، از بازرگانان و ثروتمندان زمین‌دار و صاحبان مناصب و حکام تشکیل می‌شد. ثروت این جصاص (بازرگانی که در قرن سوم هجری زندگی می‌کرد)، به بیش از بیست میلیون دینار می‌رسید (مسکویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵). از مظاهر تجمع بازرگانان، همکاری میان آنان بود که با وجود عرب و غیرعرب بودن و مسلمان و ذمی بودن آنان، صورت می‌گرفت و بنا بر رسمی که میان آنان متداول بود، هرگاه یکی از آنان ورشکست می‌شد، گروهی از بازرگانان می‌کوشیدند تا سرمایه‌ای دیگر برای او فراهم آورند. همچنین، برخی از آنان بعضی دیگر را از فراوانی و کمبود کالاهایی که داشتند، آگاه می‌کردند. گفته شده که (در سال ۲۹۸ق/۹۱۰م) بازرگانان «رقه» به دوستانشان در بغداد نامه نوشتند و آن‌ها را از نبود زیتون در آنجا آگاه ساختند و گوشزد کردند که هرچه روغن زیتون در بغداد یافت می‌شود، خریداری کنند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۴۶). بازرگانان با استفاده از ارتباطی که در میانشان بود، در تأسیس بنگاه‌هایی برای بازرگانی، شرکت می‌جستند. سرمایه این مؤسسات، متکی بر وام‌هایی بود که از شرکا گردآوری می‌شد (متز، ج ۲: ۳۸۷). این شرکت‌ها، علاوه بر قبول سپرده، وام نیز می‌پرداختند و در برنامه‌ریزی‌های بزرگ تجاری و صنعتی شرکت می‌کردند؛ کاروان‌های بازرگانی بین شهرها و در پهنه صحراها راه می‌انداختند و سفرهای دریایی از این

سو به آن سوی خلیج فارس ترتیب می دادند و نیز به تهیه بردگان از آفریقا و فراهم کردن وسایل رفاه و تنعم از خاور دور مبادرت می ورزیدند (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۵).

برخی از پژوهشگران، بر این عقیده اند که بازرگانان، اتحادیه ای بنیاد نهاده بودند که مسئول نظارت بر معاملات بازرگانی و منع تدلیس و غش بود و «رئیزی» داشتند که از میان اعضای سرشناس اتحادیه انتخاب می گردید. اعضای اتحادیه معمولاً «أُمناء» نامیده می شدند (ابن مسکویه، ۱۳۸۰: ۱۲۸). تشکیلات بازرگانان و صرافان و گروه بندی آن ها، چه بسا بر آماده کردن و برانگیختن کارگران و صنعتگران به گروه بندی و همکاری بین آن ها می تواند مؤثر بوده باشد (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۵).

متغیر کشاورزی و تحول مشاغل

در دوران خلافت هارون عباسی، کشاورزی از اهمیت برخوردار بود. کشاورزی در این دوران، رونق یافت و فرآورده های کشاورزی، گوناگون و متنوع گردید. بغداد را روستاها و قریه ها و باغ ها احاطه کرده بودند. شهر «واسط»، منطقه کشاورزی بود که سالانه مقادیر هنگفتی محصول، به بار می آورد. زمین داران بزرگ در بغداد و شهرهای دیگر زندگی می کردند و نمایندگانشان به جای آنان در اراضی متعلق به آن ها به زراعت می پرداختند و درآمد آنان را برایشان می فرستادند. نمونه های بسیاری وجود دارد که زمین داران، زندگی مرفه و پُر تجمل فراهم داشته، ثروت های هنگفتی در تجارت و برنامه های دیگر که سود عاید آنان می کرد، به کار می انداختند. منابع، نمونه هایی از درآمدهای هنگفتی که این اقطاعات نصیب صاحبان خود می کرده، به دست می دهند (همان: ۱۰). کشاورزی از دو جهت به رشد صنعت و پیشه ها انجامید: جهت اول اینکه کشاورزی، سرمایه لازم برای طرح های صنعتی را فراهم آورد؛ زیرا درآمدهای زمین به دست صاحبان املاک می رسید که در بغداد و شهرهای دیگر ساکن بودند و زندگی با رفاه و تنعم آنان، مستلزم همه تولیدات صنعتی و وسایل رفاه بود. جهت دوم اینکه مواد خام صنایع در درجه نخست، متکی بر محصولات کشاورزی بود و صنعت نساجی، وابسته به پنبه و ابریشم و کتان بود. ابن فقیه، مقدار مصرفی روغن روشنایی (دُهْنُ البزْرِ) شهر بغداد را تخمین زده و می گوید: «هر منزل

در هر شب دو اوقیه، و هر حمام ربع رطل ۱، و هر مسجد یک رطل مصرف می‌کند.» همچنین، مقدار صابون مصرفی یک منزل را یک رطل تخمین زده است. این‌ها، نیاز فراوان به روغن‌های استخراج شده از محصولات کشاورزی را نشان می‌دهد (همان: ۱۱).

متغیر فتوحات جدید و تحول مشاغل

با توجه به فتوحات گسترده‌ای که در دوران هارون عباسی صورت گرفت، بردگان بسیاری به بازار مسلمانان وارد شد و این نیروی کار ارزان قیمت، سبب افزایش تولید در بخش اقتصاد شدند. آنان طبقه‌ای پایین‌تر از کارگران آزاد، و نزدیک به بردگان زمین، یعنی «اقنان» (برده‌زادگان برده) بودند (همان: ۱۲). شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، بسیاری از نیروهای کارگری را جهت فراهم نمودن امکانات کار و کسب، و رفع نیاز مردم شهرها به وسایل رفاه و آسایش جذب کرد و بدین ترتیب، استادان ماهر صنایع به این شهرها منتقل گردیدند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۴۵). علاوه بر این، دولت اسلامی اجازه کوچ به شهرها را می‌داد؛ مثلاً اهالی مرو و بخارا اجازه یافتند که در شهر بغداد ساکن گردند (همان: ۲۴۸) و چنان‌که مورخان روایت می‌کنند، هنگامی که منصور اراده کرد شهر مدور خود را بنا کند، صنعتگران را از سرزمین‌های مختلف فراخواند (یعقوبی، ج ۲: ۳۹۶). بدون شک، اجتماع چنین گروه کثیری از کارگران و صنعتگران از همه شهرهای دولت اسلامی، علاوه بر تأثیر نهادن بر رونق صنعت، موجب برخورد و تبادل اطلاعات و مهارت‌ها نیز می‌گردد (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۶).

متغیر شهرنشینی و تحول مشاغل

رشد شهرنشینی، یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در بغداد بوده است. این تحول، کم‌وبیش در تمام نقاط جهان اسلام در جریان بود و در قالب حرکتی پیش‌برنده، شکل و محتوای جهان اسلام را دگرگون کرد. امنیت، سیاست، اقتصاد و فرهنگ،

۱. رطل و اوقیه، دو واحد وزن است. اوقیه، برابر است با ۱/۱۲ رطل، و هر رطل تقریباً مساوی با ۴۰۰ گرم است. هر رطل مصری، معادل با ۴۴۹ گرم می‌باشد.

۵. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۰

عوامل درهم تنیده‌ای بودند که به گونه‌ای پیچیده و متقابل بر هم اثر می‌گذاشتند. شهرنشینی، در ابعاد مختلف آن، مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز روابط متقابل این عوامل بود. از یک سو، زندگی شهری در پی رونق اقتصاد و امنیت گسترش یافت و مکان مناسبی برای بروز حیات فرهنگ اسلامی شد. از سوی دیگر، زندگی شهرنشینی، به تکامل عوامل ایجاد می‌انجامید. مظاهر زندگی شهری، دچار تغییر و تحول شد و اشکال پیچیده‌تری به خود گرفت. بازارها، یکی از کانون‌های اصلی شهرهای اسلامی و قلب تپنده اقتصادی آن‌ها بودند که در این دوره، به شکوه خاصی دست یافتند (یوسفی فر، ۱۳۸۷: ۲۹-۵۶).

وجود بازارهای متعدد، به ویژه یکی از نشانه‌ها و نتایج اصلی رشد شهرنشینی و گسترش نیازهای شهرنشینان، ورود به دوره‌ای متفاوت بود. ابن خلدون، اندیشمند مسلمان سده هشتم، در نظریه عصبیت خود، به این مرحله، عمران حَضَری یا شهری می‌گوید (ابن خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۵). در مرحله عمران شهری، جامعه از حالت بدوی خارج می‌شود و رونق و تکلف و تجمل، ابعاد آن را فرامی‌گیرد. ابن خلدون نیاز بشر را در حوزه خوراک، به دو ساحت تقسیم کرده است: «نیازهای ضروری» که برای ادامه حیات لازم است؛ مانند: گندم، جو و غله، و «مواد تفتنی» مثل خورش‌ها و میوه‌ها (همان، ج ۲: ۷۱۷). آنچه در بغداد، در دوران خلافت هارون عباسی رخ داد، عبور از مرحله اول و ورود به مرحله غیر ضروری‌ها و افزایش تشریفات بود. وجود بازارهای کالاهای غیر ضروری، نمادهایی از این تغییر به حساب می‌آمد؛ به عنوان نمونه، مغازه‌هایی که نه تنها غذاهای ارزان متناسب با توان مالی عامه مردم، بلکه غذاهای تقریباً اعیانی مانند: لکانه، بریانی، انواع شیرینی‌ها و حلواها را عرضه می‌کردند. وجود این مغازه‌ها و تداوم حضورشان در بازارهای اسلامی، نشان از وجود تقاضا برای این اماکن بود. بخشی از مشتریان آن‌ها، خود بازاریان بودند. آنان احتمالاً به دلیل زیادی کار یا دوری از خانه — که هر دو از رونق اقتصادی حکایت دارد — زمانی برای ترک دکان نداشتند و غذا را از یکی از این غذافروشی‌ها تهیه و مصرف می‌کردند (راوندی، بی تا: ج ۵: ۱۱۱).

باید توجه داشت که در دوران هارون عباسی، حضور نیروهای نظامی نیز از عوامل رونق فروش محصولات در درون شهر بود؛ زیرا پادگان‌های اطراف شهر سبب شد که آنان بازار مصرفی مناسبی برای محصولات شهری باشند (فخر مدبر، ۱۳۵۴: ۲۸۶). در مجموع، باید

۵۱ خسروی و اسدیگی: بررسی عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت ...

گفت که پیشرفت مناسبات شهری تا اندازه زیادی به رشد مناسبات کشاورزی و گسترش اقتصاد زراعی بستگی داشت (یوسفی فر، ۱۳۸۷: ۸). شایان ذکر است، تحولات اجتماعی آن دوران، بر سبک زندگی مردم نیز اثر گذاشت؛ به نحوی که مشتریان بازار غذایی، طیف متنوعی از اقشار مردم بودند که بسته به وضعیت مالی، خریدار غذاهای آماده بودند. دکان‌هایی مانند: نانوايي، آردفروشي، بقالی و قصابی، مشتریانی از همه طبقات داشتند؛ اما بعضی دکان‌ها، مشتری‌های خاص خود را داشتند. جگرپزی، بریان‌گری، لکانه‌پزی، حلواپزی و مانند آن، پذیرای طبقات متوسط و بالا بودند؛ چراکه غذاهای آنان، جزو غذاهای گران به شمار می‌آمد (بسحق اطعمه، ۱۳۸۲: ۲۶). در مقابل، عمده مشتریان مغازه‌هایی مانند بوردی و آتش‌فروشی و هرپسه‌پزی، قشرهای پایین جامعه بودند (همان: ۲۸ و ۲۹)؛ اما به‌طور کلی، باید گفت که بیشترین استقبال‌کنندگان از این دکان‌ها، خود بازاریان بودند که همسایگان آن‌ها به شمار می‌رفتند. مسافران و کارگران حاضر در شهر نیز که از خانه دور بودند، دیگر مشتریان این دکان‌ها بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۲۹).

متغیر تأثیر جذب نخبگان و سایر تمدن‌ها بر تحول مشاغل

عوامل متعددی در شکوفایی تمدن اسلامی و تحول مشاغل در بغداد نقش داشته‌اند که یکی از آن‌ها، جذب نخبگان علمی و دیگری، وام‌گیری از دیگر تمدن‌هاست. به تعبیری، تمدن اسلامی بر گرده تمدن‌های ایران، یونان، هند و روم بنا شد و با استفاده از دستاوردهایشان، تلفیق آن‌ها با برنامه‌های خویش و تطبیق با نیازها، طرح جدیدی ایجاد کرد که جهان امروز، پیشرفت و توسعه خویش را وام‌دار آن است. جذب نخبگان از یک منظر، یاری‌گر تمدن اسلامی در وام‌گیری از تمدن‌های دیگر بود؛ زیرا از یک سو، آثار برجای مانده از تمدن‌های پیشین، هرکدام به زبانی غیر از زبان رسمی دنیای اسلام بود و از دیگر سو، هریک از نخبگان و دانشمندان غیرمسلمان، نماینده یک تمدن و حامل بخشی از داشته‌های آن تمدن بودند؛ بنابراین، مسلمانان برای وام‌گیری از تمدن‌ها، به ترجمه روی آوردند که غالب مترجمان نیز غیرمسلمان بودند. بدین شیوه، وام‌گیری تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌ها، برای حرکت به سوی شکوفایی کامل شد. یکی از خاورشناسان، در این زمینه می‌نویسد:

«فاتحین عرب در پایان فتوحات، به اندک زمانی در تمدن ترقی حاصل نمودند؛ اما این‌گونه تشکیلات و انتظامات کشوری یا این‌قسم فنون پیچیده، مانند استخراج معادن یا یک صنعت معماری عالی، روشن است که یک دفعه به دست نمی‌آید یا مانند علوم یک دفعه حاصل نمی‌شود، و نیز ثابت می‌گردد که مسلمانان، تمدن‌هایی را که آن وقت در دنیا وجود داشت، ابقا می‌نمودند. آن‌ها در علوم و فنون و انتظامات کشوری از تمدن قدیم یونان و روم اقتباس نموده، ولی آن را ترقی داده، به مرتبه بلند رسانیدند. نهضت ترجمه، با هدف وام‌گیری از دستاوردهای دیگر تمدن‌ها، از سال ۱۳۳ق آغاز شد و حدود یک قرن ادامه یافت. مسلمانان در این مدت توانستند کتاب‌های اساسی و لازم در علوم را از سریانی، یونانی، پهلوی و سانسکریت به عربی درآوردند و مهم‌ترین آثار یونانیان در ریاضیات، نجوم و طب را به عربی ترجمه کنند. نخبگان غیرمسلمان، حلقه وصل اسلام با تمدن‌های دیگر شدند. در این میان، نسطوریان شامی که آثار یونانی را نخست به سریانی و سپس از سریانی به عربی ترجمه کردند، حلقه ارتباطی اسلام با فلسفه یونان شدند» (حسینی شاه‌ترابی، ۱۳۸۷: ۲۶).

موقعیت اجتماعی دانشمندان در اوایل تمدن اسلامی، با موقعیت آن‌ها در اواخر دوران کلاسیک، تفاوت چندانی نداشت؛ اما با ظهور خلافت عباسیان، دوران کوتاهی فرارسید (۱۳۷-۲۷۴ق) که تحت حکومت خلفایی همچون: منصور، هارون الرشید، مأمون و حتی در زمان متوکل، دانشمندان به چنان درجه‌ای تشویق شدند که از زمان تشکیل موزه اسکندر به بعد دیده نشد. آغاز این حرکت، به دست منصور دوانیقی بود. او پس از عزم بنای شهر بغداد، متخصصان و مهندسان شهرسازی را احضار کرد و نقشه شهر را طراحی نمود. سپس، به راهنمایی «نوبخت» که ستاره‌شناس زبردستی بود، سنگ شالوده شهر را بر زمین گذاشت. وی برای شهرت بخشیدن و عظمت‌آفرینی برای شهر تازه تأسیس خویش، دانشمندان متعددی را از مراکز علمی به بغداد فراخواند و ذیل حمایت خویش گرفت (همان: ۲۴).

منصور به ستاره‌شناسی و عمل به احکام ستارگان معتقد بود و بدون مشورت ستاره‌شناسان، به کارهای مهم دست نمی‌زد؛ بر همین اساس، وی اولین خلیفه‌ای است که ستاره‌شناسان، از جمله نوبخت زرتشتی را به خدمت گرفت. او علاقه بسیاری به اخترشناسی داشت و اخترشناسان متعددی از هند و روم به حضورش می‌رسیدند. مسلمانان

از همان زمان، به نجوم و متعلقات آن علاقه‌مند شدند و از ستاره‌شناسی نیز به هندسه متوجه گشتند (زیدان، ۱۳۳۳، ج ۳: ۲۰۸-۲۰۹). زمانی که هارون الرشید به قدرت رسید، با کمک وزیر برمکی خود، به دانشمندی که آثار علمی یونانی را مطالعه و ترجمه می‌کردند، کمک فراوان نمود؛ حتی جمعی را به قلمرو امپراتوری روم فرستاد تا نسخه‌های خطی یونانی را خریداری کنند. این اقدام سبب شد تا تألیفات گران‌سنگ یونانی به بغداد وارد شود. درباریان نیز به او تأسی جستند و سرمایه فراوانی در راه جمع‌آوری نسخه‌های یونانی و ترجمه آن‌ها صرف کردند؛ اما بیشترین دانشی که از این طریق حاصل شد، جنبه پزشکی داشت و این امر، توجه پزشکان جندی‌شاپور را به خود معطوف کرد (حسینی شاه‌ترابی، ۱۳۸۷: ۲۵).

هارون، به علم و عالمان بسیار اهمیت می‌داد و این احساس خویش را به شکل‌های گوناگون ابراز می‌نمود. وی در ترجمه کتاب‌های یونانی، کوشش بسیاری کرد و ثروت انبوهی را صرف این امر نمود؛ به‌گونه‌ای که به برخی از مترجمان، در ازای وزن هر کتابی که ترجمه می‌کردند، طلا می‌داد. علاقه او بدین موضوع، به اندازه‌ای بود که ثروتمندان، بزرگان و داعیان دولتی را نیز ترغیب می‌کرد تا ارباب منطق و فلسفه را گرامی بدارند. در نتیجه، مترجمان بسیاری از عراق، شام و مشرق به بغداد آمدند. چه‌بسا نسطوریان، صائبه، زرتشتیان، رومیان و برهمنان هندی نیز میان آنان بودند و از زبان‌هایی مانند: یونانی، فارسی، سریانی، هندی (سانسکریت)، نبطی و لاتین ترجمه می‌کردند. به‌دنبال آن، دانش چنان رونق گرفت که کتاب‌فروشی و کاغذفروشی در بغداد افزایش یافت. انجمن‌های علمی و ادبی متعددی بر پا شد و مردم بیش از هر کار، به مباحثات علمی و مطالعه می‌پرداختند.

عوامل متعددی در شکوفایی تمدن اسلامی در دوران طلایی آن نقش داشته‌اند که جذب نخبگان علمی توسط دولت‌های مسلمان، از جمله آن‌هاست. عباسیان با انگیزه‌های مختلف سیاسی و غیرسیاسی، به تکریم علم و عالمان و ایجاد مراکز علمی و پژوهشی پرداختند و بدین‌گونه، توانستند موقعیت مناسبی را برای حضور و جذب عالمان و نخبگان علمی فراهم آورند. انگیزه‌های متفاوت سیاسی و غیرسیاسی بر جذب نخبگان توس، در خلافت عباسی مؤثر بوده است؛ اما انگیزه سیاسی، مهم‌ترین انگیزه‌ای بود که خلفای عباسی را به جذب نخبگان وادار می‌کرد. آن‌ها از این تدابیر برای اهداف سیاسی متعددی سود می‌جستند که

مهم‌ترین آن‌ها، عبارت بود از کسب قدرت و اقتدار سیاسی. قدرت‌طلبی، ویژگی بارز دولتمردان و سیاستمداران است. به همین سبب، دولتمردان عباسیان می‌کوشیدند قدرت خویش را افزایش دهند. هارون عباسی بر آن بود که پایتختش چنان باشد که شهرت آن در سراسر جهان اسلام پراکنده شود و به این منظور، گروهی از دانشمندان، قراء، وعاظ، نحویان و محدثان را از شهرهای مختلف - که پیش از آن مراکز علمی جهان اسلام شده بودند - به بغداد دعوت کرد (دلیسی، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

همچنین، به غیر از انگیزه‌های سیاسی، انگیزه‌های دیگری بر جذب نخبگان تأثیر داشتند که به‌طور کلی، از آن به انگیزه‌های غیرسیاسی می‌توان تعبیر کرد که از آن جمله، عبارت است از میل به بقا و تندرستی؛ چنین میلی، بیشتر یک میل ذاتی و درونی است. خلفای عباسی نیز به سبب علایق و دلبستگی‌های عمیقی که به قدرت و تاج و تخت خویش داشتند، به سلامت خویش اهمیت شایانی می‌دادند و دوست داشتند مدت زمان بیشتری زندگی کنند؛ از این رو، بهترین عالمان و متخصصان هر فن، به‌ویژه علم پزشکی و نجوم را در خدمت خویش می‌گرفتند تا در فرصت لازم از تخصصشان بهره‌گیرند که این خود، موجب می‌شد تا نخبگان علمی را جذب کنند. روی آوردن هارون الرشید و بسیاری از حاکمان مسلمان دیگر به پزشکان مسلمان و غیرمسلمان، از همین قبیل است (قفلی، ۱۳۷۱: ۱۴۰).

متغیرهای سیاسی و نظامی و تحول مشاغل

هارون عباسی، با الگوپذیری از فرهنگ و سنن ایران و با حمایتی که از سوی دبیران ایرانی می‌شد، در پی ایجاد نظام سلطنتی بود. «فرای» معتقد است، همراهی دین و دولت که از پایه‌های اسلام به شمار می‌رود، الگویی از دولت ساسانی بود. هارون عباسی نیز این نظریه را به نفع حکومت و قدرت خود دید؛ زیرا او با درک زمینه‌ها و شرایط، به ایجاد حکومتی وسیع و متمرکز دست زد. مشخصه اصلی دولت هارون عباسی، اتحاد دین و دولت بود (فرهمنند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). در حکومت عباسی، قوانین سیاسی و دولتی با مقررات دینی پیوسته بوده، از هم جدا نبودند (یعقوبی، ۱۳۵۹، ج ۲: ۲۳۲).

هارون عباسی در ادامه، با توان‌افزایی نظامی، به تشکیل نیروی دریایی و صنعت

کشتی سازی روی آورد. از کشتی و نیروی دریایی در مقاصد نظامی در: بصره، شام، قبرس، سواحل آسیای صغیر، بیزانس، اندلس، تونس و دیگر مکان‌ها و سرانجام در دریای هند و خلیج فارس بهره جستند. توسعه نیروی دریایی، با ساخت کشتی‌های جنگی و تأسیس کارخانه‌های کشتی سازی در مصر تکمیل شد. معاف شدن کارگران کارخانه‌های کشتی سازی از پرداخت جزیه، بر رشد مشارکت عمومی در امر تولید ابزار دفاعی و ایجاد امنیت افزود و به سلطه نظامی آن‌ها دامن زد. ادامه تحرکات نظامی در دریا، در عصر مهدی عباسی هم به کرات گزارش شده است. نبردهای دریایی مجهز به ادوات جنگی و سلاح‌های سنگینی نظیر منجنیق، نشان از اقتدار نظامی و دانش علمی و صنعتی عباسیان دارد (جان احمدی و الهامی، ۱۳۹۱: ۴۸).

نتیجه

خلافت هارون الرشید در بغداد، نشان دهنده اوج قدرت و صلابت خاندان عباسی بود. هارون عباسی، علاوه بر فتوحات متعددی که داشت و قلمرو سرزمین‌های اسلامی را گسترش داد، به مسائل داخلی نیز اهمیت زیادی می‌داد؛ به طوری که بغداد به عنوان پایتخت حکومت وی، به اوج قدرت و عظمت دست یافت و تحولاتی در این شهر به وجود آمد؛ یکی از مسائل مهم که امروزه در تاریخ اجتماعی مورد تأکید و توجه است، بررسی تحول مشاغل در نظام اجتماعی است. در بررسی تحول مشاغل در بغداد، متغیرهای متعددی وجود دارد. در این دوران، تبادل فرهنگ عربی و فرهنگ‌های ملل فتح شده نظیر [ایران](#) و روم، تأثیری شگرف روی فرهنگ و سیاست عباسیان گذاشت و حاصل آن، به وجود آمدن مشاغل جدید یا بازتعریف جدیدی از مشاغل بوده است.

توسعه و گسترش تجارت و بازرگانی جامعه اسلامی در خلال قرن دوم هجری، به نحوی تحول یافت که بازرگانی از مهم‌ترین ارکان زندگی اقتصادی گردید و مقام اول را در تجارت جهانی کسب کرد. تحول در این حوزه، ناشی از عللی همچون: پیشرفت تمدن اسلام، رفاه معیشتی و اقتصادی در بین مردم، گسترش قلمرو دولت و استقرار آن، توسعه راه‌های ارتباطی زمینی و دریایی و تراکم نقدینگی خلافت عباسی بوده است. از سویی دیگر، تسامح و تساهل در مواجهه با اقلیت‌ها افزایش یافت و بسیاری، از مناطق دیگر به بغداد مهاجرت

کردند و هر گروه و دسته‌ای که به این شهر می‌آمد، شغل و پیشیه خود را نیز به همراه داشت. بر اثر ورود ثروت عظیمی که به این شهر سرازیر می‌شد، سیاست‌های عمرانی و ساخت‌وسازها افزایش یافت و بسیاری از مشاغل رونق گرفتند. هارون عباسی، اهتمام جدی به ساخت بناهایی همچون کاخ‌ها و مدارس داشت. این سیاست، موجب رونق و گسترش بسیاری از مشاغل شد. توسعه و گسترش کشاورزی، موجب توسعه مشاغل مرتبط، و سیاست‌های توسعه صنعت نیز موجب شکوفایی صنعت شد.

منابع

۱. ابن اخوه، محدثین احمد قرشی (۱۳۶۷)، آیین شهرداری در قرن هفتم هجری؛ معالم القریه فی احکام حسبه، ترجمه جعفر عار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۱)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران، ج ۱۵.
۳. ابن بلخی، حاج میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۶۷)، فارس‌نامه، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسائی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱.
۴. ابن مسکویه رازی، ابوعلی مسکویه (۱۳۷۶)، تجارب الأمم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات توس، ج ۵ و ۶.
۵. ابن خلدون (۱۳۶۴)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۲.

۶. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰)، تاریخ طبری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. الهامی، علی و جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۱)، «بازکاوای تأثیر ساختار قدرت سیاسی خلافت عباسیان بر فراز تمدن اسلامی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، بهار، سال سوم، شماره ۶: ۲۹ - ۵۶.
۸. الدوری، عبدالعزیز (۱۹۷۴)، تاریخ العراق الاقتصادية فی القرن الرابع الهجری، بغداد: مطبعة دار المعارف.
۹. اولیری دلیسی (۱۳۷۴)، انتقال علوم یونانی به جهان عربی، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۷)، «محتسب که بوده است»، مجله بررسی های تاریخ، ش ۱۷.
۱۱. بسحق اطعمه، احمد بن حلاج (۱۳۸۲)، کلیات بسحق اطعمه شیرازی، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: میراث مکتوب.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه دکتر محمد توکل، بی جا: نشر نقره.
۱۳. پروندی، مرضیه و جهانگیریان، حدیث (۱۳۹۴)، «مشاغل و مناصب شیعیان در قرن های سوم تا ششم»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۴۹.
۱۴. ترابی، محمد (۱۳۹۳)، شیعیان عراق پس از ۲۰۰۳ م، قم: مجمع ذخائر اسلام.

۱۵. حسینی شاه ترابی، سید مرتضی (۱۳۸۷)، «نقش جذب نخبگان در تمدن اسلامی عصر عباسیان»، سخن تاریخ، بهار، شماره ۲.
۱۶. خطیب بغدادی، ابی بکر احمد (۱۳۴۹)، تاریخ بغداد یا مدینه السلام، به کوشش محمدمامین الخارنجی، بغداد: مکتب العربی.
۱۷. دوری، عبدالعزیز (۱۳۷۵)، بغداد (چند مقاله در تاریخ، جغرافیای تاریخی)، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و همکاران، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، زمستان.
۱۸. درودی، هما (۱۳۸۴)، «فرهنگ کار از دیدگاه اسلام»، کار و جامعه، ش ۶۳: ۴-۱۵.
۱۹. دیانی، محمد شمس‌الدین (۱۳۸۶)، «بهداشت روانی کار در آموزه های پیامبر اعظم (ص)»، مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ش ۶: ۷۹-۸۴.
۲۰. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۴۱)، اخبار الطوال، ترجمه دکتر مهدوی دامغانی، تهران: نی.
۲۱. رشیدو، پی نن (۱۳۶۹)، سقوط بغداد و حکروایی مغولان در عراق (۱۲۵۸ و ۱۳۳۵ میلادی)، ترجمه اسد الله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
۲۲. راوندی، مرتضی (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر.
۲۳. زیدان، جرجی (۱۳۵۴)، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ج ۱.

۲۴. سعید الشیخی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۳)، دولت عباسیان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. طبری، محمدبن جریر (بی تا)، تاریخ الطبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۲)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. فرای، ریچارد (۱۳۵۸)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
۲۹. فرهمندپور، فهیمه و فرخنده زاده، محبوبه (۱۳۹۳)، «نقش دبیران ایرانی در تحول نظام اداری عباسیان»، مطالعات تاریخ اسلام، بهار، شماره ۲۰: ۹۹ - ۱۲۲.
۳۰. قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱)، تاریخ الحکماء، به کوشش بهین دارایی، چاپ دومف تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. لسترنج، گای (۱۳۳۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، بین‌النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور، ترجمه محمود عرفان، ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۲. متز، ادم، الحضارة الاسلامیة (۱۹۴۲)، غنیمه یوسف «الجهبذة و الجهابذة»، مجله غرفة تجارة بغداد، ج ۲.
۳۳. ممتحن، حسین علی (۱۳۳۷)، تحقیقی در احوال و مذاهب و رسوم صابثیان عراق و خوزستان، چاپ آفتاب.

۶. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۰

۳۴. فخرمدبر، محمدبن منصور (۱۳۴۶)، آداب الحرب والشجاعة، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، انتشارات اقبال.
۳۵. مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۳۶)، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری.
۳۶. مظفر، محمدحسین (۱۳۸۷)، تاریخ الشیعة، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۷. موسوی، سید حسین (۱۳۸۱)، زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان در بغداد، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۳۸. موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۶)، «تاریخ اجتماعی؛ رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۵.
۳۹. ____ (۱۳۸۹)، «طنذگی حرفه‌ای موزنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان»، پژوهش‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی.
۴۰. مشکوتی، نصرالله (۱۳۴۹)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
۴۱. مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
۴۲. مقدسی، ابوسلیمان (بی تا)، اخوان الصفا، بی جا: بی نا.
۴۳. هولت، پی ام؛ لمبتون، ان. ک. س؛ لوئیس، برنارد (۱۳۸۷)، تاریخ اسلام در کمبریج، ترجمه تیور قادری، تهران: انتشارات مهتاب، ج ۱.
۴۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی.

۶۱ خسروی و اسدیگی: بررسی عوامل اثرگذار بر تحول مشاغل در دوران خلافت...

۴۵. یعقوبی، محمدطاهر (۱۳۸۵)، شیعیان بغداد وضعیت سیاسی و اجتماعی از ورود سلجوقیان تا سقوط عباسیان، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.

۴۶. یوسفی‌فر، شهرام، «تأملاتی بر زندگی شهری و روستایی ایران در سده‌های میانه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۶، ۱۳۸۷: ۸-۲۵.

۴۷. _____ (۱۳۷۲)، ذیل تاریخ گزیده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

Branine, M., & Pollard, D. (۲۰۱۰). Human resource management with Islamic management.

Iraq: largest cities and towns and statistics of their population. World Gazetteer. Retrieved ۱۴ May (۲۰۱۲).